

کلیاتی درباره تغییرات اقتصادی ای که با ایجاد حکومت اسلامی در جهان آنروز پدید آمد

نوشته موریس لومبارد (Maurice Lombard)

ترجمه امیر حسین جهاننگلو*

عامل تاریخی در مسأله روابط میان اروپا و اسلام

هرکس به نقشه دنیای قدیم بنگرد، متوجه می‌شود که سرزمین‌های اسلامی سراسر یکپارچه‌اند. اسلام در آغاز، سرزمین‌های وسیعی در آسیا و افریقا حتی اروپا را فرا می‌گرفت. این سرزمین‌ها عبارت بودند از: قسمت‌های وسیعی از غرب چین، سراسر آسیای مرکزی، مالزی، شمال غربی هند، افریقای شرقی، مصر، مغرب و شمال افریقا، فلات ایران و فلات آسیای صغیر (آناتولی)، شبه جزیره بالکان، بین‌النهرین، عربستان، سوریه، صحرای افریقا و سودان. مردم این سرزمین‌ها که همگی در زیر لوای اسلام گرد آمده بودند، از لحاظ قومی و نژادی با یکدیگر اختلاف فراوان داشتند.

در روزگاری، جمعیت این سرزمین‌ها از ۲۰۰ میلیون نفر بیشتر است. دنیای کنونی اسلام همه نژادهای دنیای کهن را دربرمی‌گیرد، و از این توده عظیم بشری ۱۲ میلیون نفر از نژادهای خالص عرب هستند، نزدیک به ۲۶ میلیون نفر دیگر نیز به زبان عربی گفتگو می‌کنند، بقیه این جمعیت نیز از ۷۲ میلیون نفر هندی، ۵۳ میلیون نفر از مردم مالزی، ۳۴ میلیون

* این مقاله ابتدا در ژوئن ۱۹۵۳ در «Les Cahiers des Bruges» و سپس در سال ۱۹۷۲

در مجموعه‌ای از آثار مؤلف به نام «Les Eopaceset Reseaux du Haut Moyen - Age» چاپ شده است.

عنوان اصلی این بررسی «اروپا و اسلام» (L' Europe et L' Islam) است که سراسر، جز دو صفحه آغاز و پایان آن، به بحث درباره تغییرات و پیشرفت‌های عظیم اقتصادی، که در نتیجه ایجاد حکومت وسیع اسلامی، در دوران میان قرن هشتم و سیزدهم، در جهان شناخته شده آن روز پدید آمده است، اختصاص دارد. در نتیجه، در دو صفحه آغاز و پایان، به مسائل کنونی دنیای اسلام در برابر جهان غرب، بطور بسیار جمالی اشاره شده است. (مترجم)

نفر ترک، ۲۶ میلیون نفر ایرانی، ۲۶ میلیون نفر سیاهپوست، ۷ تا ۳۰ میلیون چینی^۱ و ۲ تا ۳ میلیون نفر از مردم بالکان تشکیل شده است.^۲ با توجه به این ارقام و با نگاهی به نقشه جغرافیا، می توان به اهمیت عامل تاریخی که در بوجود آوردن جهان وسیع اسلام و در وحدت و یکپارچگی اقوام گوناگون آن مؤثر بوده است، پی برد. دنیای اسلام مناطقی را دربر می گیرد که دارای تمدن های کهن هستند. بهتر بگوییم همه تمدن های کهن جهان، مانند تمدن های مصر، کلد، آشور، سوریه، فنیقیه و امپراطوری کارتاژ، ایران، هند، و چین در جهان اسلام جای دارند.

در دنیای اسلام، سنگینی بار گذشته - گذشته ای بسیار کهن و بسیار ستایش انگیز - پیش از مناطق دیگر جهان از خود اثر گذاشته است. قلب و مرکز این ممالک کهن، منطقه ای است که میان دودریا - دریای مدیترانه و اقیانوس هند - قرار گرفته و این دو قسمت از گیتی را که دارای تمدن های کاملاً مختلف می باشند به یکدیگر پیوند می دهد. این دو قسمت جهان، طی قرون و اعصار متمادی تنها سرزمین های اقتصادی ای بودند که تولیداتشان مکمل یکدیگر بود و بازرگانی جهان تنها در این سرزمین ها انجام می گرفت. میان این دو دریا، راه های مهمی وجود داشتند که از جنوب شرقی به شمال غربی کشیده می شدند و خلیج فارس و دریای سرخ را به مدیترانه، دریای خزر و دریای سیاه می پیوستند. راه های کاروانی دیگری نیز از شمال شرقی به جنوب غربی امتداد می یافتند و از صحراها و کویرهای آسیا و افریقا، از استپ های آسیای مرکزی، و از دشت های ایران و عربستان می گذشتند.

در این مورد نیز جای پای تاریخ را می توان دید، زیرا ارزشی که مناطق میان دو دریا، در روزگاران گذشته، از لحاظ موقع جغرافیائی و تسلط بی چون و چرا بر راه های بزرگ بازرگانی داشتند، با کشف اسریکا و راه هند از طریق دماغه امید نیک، از میان می رود. منتها با ایجاد آبراه سوئز و طرح راه آهن بغداد، این مناطق نه تنها اهمیت گذشته خود را بازمی یابند بلکه با بوجود آمدن راه های هوائی میان غرب و هند و خاور دور، اکنون این اهمیت دو چندان شده است.

از لحاظ کمیت و کیفیت نیروهای تولید، و وضع اقتصادی سرزمین های این منطقه نیز، حکم بالا درست است. در دنیای مسلمانی کویرهای وسیع و سرزمین های بی آب و علفی می بینیم که مشمول لطف و مرحمت طبیعت قرار نگرفته اند. شک نیست که نمی توان این مناطق را با اروپا مقایسه کرد و مدعی شد که این ها نیز «طبیعتی دلفریب» و «آب و هوائی مطمئن» دارند. در این

۱. بعلت نبودن آمارهای سرشماری، جمعیت مسلمانان چین بین این دو رقم تخمین زده

شده است.

۲. اراقاسی که نویسنده به دست می دهد به نظر درست نمی آید. (مترجم)

سرزمین‌ها همه فعالیت‌ها «جنبه پیرامونی» (Périphérique) دارند. شرق، نمای درخشنده‌ای است که در پشت آن، جز در نقاطی که آب وجود دارد- آب پر بها و کمیاب - سراسر کویر و صحرای بی‌آب و علف است. اما هر کجا آب هست زندگی و وفور نعمت نیز هست. واحه‌هایی که در آن‌ها با آبیاری زمین می‌توان محصولات بسیار بدست آورد، واحه‌هایی که برای تجمع مردم و پدید آمدن زندگی شهری مکان‌های بسیار مناسبی بشمار می‌آیند.

اما در مشرق زمین، منابع جنگلی و زیرزمینی در مناطق دور دست و «پیرامونی» قرار دارند. به همین سبب قدرت تولیدی و صنعتی دنیای اسلام همواره وابسته به بازرگانی وسیع و تسلط بر راه‌هاست. بنابراین، هر زمان که کشورهای مسلمان بر بازارهای جهان تسلط دارند اقتصادشان رشد می‌یابد و ثروتشان فزونی می‌گیرد و شهرهای مهم آن‌ها جلوه و زندگی پر جوش و خیره‌کننده دارند، و هرگاه که این تسلط کاستی گیرد و در روابط با مالک دیگر خلل و گسستگی افتد، دوران کساد و فتور و سستی پدید می‌آید، مگر آنکه بهره‌برداری از ثروت طبیعی و «غیر پیرامونی» جدیدی - مانند نفت - آغاز گردد و دوباره چرخ‌های بی‌حرکت فعالیت را بکار اندازد و جان تازه‌ای به کالبد اقتصاد بدمد.

پیداشدن دوره‌های گوناگون تمدن در کشورهای مشرق زمین، و روابط میان شرق و غرب، همواره تابع وضع اقتصادی بوده است. این روابط همیشه شکل کنونی را نداشته است. اسلام پیروزمند، پس از دوران کوتاهی که به سازمان دادن نیروهای خود پرداخت، مدت‌ها در اوج سرفرازی و شکوه بود. در آن چند قرن، اقتصاد و تمدن رشد یافته اسلام از همه دنیای آن روز برتر بود و چشم اروپای غیرتمدن آن روزگار را، که اقتصادی عقب افتاده داشت خیره می‌کرد. به همین سبب برای بی‌بردن به روحیه کنونی مسلمانان باید خاطره‌های پیروزی‌های گذشته را از دیده دور نداشت.

سازمان یافتن دنیای اسلامی

نخستین پیروزی‌های اسلام را اعراب بدست آوردند، مردمی که زندگیشان در شبه جزیره عربستان روز بروز سخت‌تر می‌شد. خشکی زمین‌های مناطق مرکزی عربستان افزون‌تر شده بود و همین امر آتش حسرت بادیه‌نشینان را نسبت به سرزمین‌های حاصلخیز و پر نعمت بین‌النهرین، سوریه، مصر و ایران که در همسایگی آنان قرار داشتند، تندتر می‌کرد. اما حمله اعراب به این مناطق، نخستین یورش نبود که اقوام سامی شبه جزیره عربستان برای تصرف این «هلال سرسبز» و زمین‌های آبیاری شده شمالی می‌آوردند. پیش از اعراب یهودیان نیز به مناطقی که بیرون از صحرای عربستان قرار داشتند، هجوم آورده بودند اما، جوامع عربی در دوران پیش از ظهور اسلام و حتی

۱. شاید بتوان گفت که این گفته مؤلف تا پیش از کشف منابع جدید آهن‌وسس و ایجاد صنایع جدید و فعالیت‌های اقتصادی زیربنائی و بنیانی گسترده‌ای که تقریباً از دو دهه پیش در بیشتر کشورهای اسلامی آغاز شده، درست بوده اما چنین رایی اکنون نادرست است. (مترجم)

هنگامی که رسول خدا مردم را به دین حق فرا می خواند، به سه دسته تقسیم می شدند: نخست بادیه نشینان و اعراب بدوی که کارشان ساریانی و کاروان داری بود. دوم ساکنان کناره های جنوبی دریای عمان و مردم یمن که دریانورد بودند و از مدت ها پیش از بعثت پیامبر مسلمانان، در اقیانوس هند کشتیرانی می کردند. سوم ثروتمندان و بازرگانان و صرافان و رباخواران که همگی در شهرها می زیستند و از بازرگانی میان اقیانوس هند و مدیترانه سود می بردند. کار و زندگی کاروان داران بادیه نشین و کشتیرانان مناطق جنوبی عربستان در دست این گروه سوم بود و به همین سبب، در مکه شاعران دوران جاهلیت، افراد متعلق به این گروه را «کوسه صفت» می خواندند و نسبت به همه شهرنشینان صاحب مال که دسترنج تلاش شبانه روزی آنان را به ناحق می بردند، دل هائی پراز کینه و خشم داشتند.

پیامبر اسلام که خود از خاندان قریش و کاروان دار بود، در چنین محیطی در مکه به تبلیغ دین خدا برخاست. عمرو عاص، فاتح مصر، خود پیش از آنکه مسلمان شود بارها به بازرگانی به آن سرزمین رفته بود و آن را به کمال می شناخت. اسلام در سال های نخستین، از همین بازرگانان و کاروان داران و کشتیرانان نیرو گرفت و با پیمودن همان راه های کاروانی و بازرگانی جهانی میان عربستان و بین النهرین و سوریه و مصر بود که نفوذ خود را از مرزهای صحرا و بیابان ها به مناطق میان سواحل و اقیانوس هند و کناره های خلیج فارس و دریای سرخ و شمال افریقا بگسترده. بازرگانان مکه، نخست در برابر پیامبر و بادیه نشینانی که به پیروی او در آمده بودند علم مخالفت برافراشتند، ولی طولی نکشید که خود به صفوف مسلمانان پیوستند و پیشوائی همان بادیه نشینان و اعراب بدوی را در یورش به راه های مهم بازرگانی و تصرف سرزمین های پر نعمت همسایه بعده گرفتند. و هم آنان بودند که سیاست توسعه اسلام را در زمان حکومت چهار خلیفه نخستین و در دوران خلافت بنی امیه طرح افکندند و شک نیست که به پاداش کوشش های خویش غنیمت و مال فراوان نیز نصیب بردند. اما، لشکریان مهاجم عرب پس از دست یافتن به پیروزی، بعلت ضرورت نظامی و همچنین به دلیل دل انگیزتر بودن نحوه زندگی شهری، در شهرهای اصلی و پر جمعیت استقرار می یافتند. عرب بادیه نیز مانند بازرگانان شهرنشین می خواست که از زندگی پر تجمل شهری بهره گیرد و از سختی های زندگی روستائی و بیابان نشینی بگریزد، و با شهرنشینان - که با رسوم و تمدن کهن آشنا بودند - دسازگردد. به همین سبب کم کم میراث کهن و پریشده گذشته، بر خوی و خصلت و شیوه زندگی و کردار و رفتار اصلی آنان چیره شد. ولی یورش اعراب بادیه به نواحی حاصلخیز و شهرهای پر جمعیت به همین یکبار پایان گرفت. صحرای عربستان، با همین یک یورش، از نیروی انسانی مهاجم خالی شد، در حالی که در جنگل های انبوه مغرب زمین همواره افراد ذخیره ای وجود داشتند که کار پیشینیان خود را در حمله به سرزمین های حاصلخیز و کشتزارها و سراتع کنار جنگل ها دنبال کنند. بنابراین، میان هجوم های اقوام غیرنمذون در دو قرن چهارم

و پنجم میلادی به اروپای غربی، و پیروزی‌های اعراب در قرن هفتم هیچ گونه شباهتی نمی‌توان یافت. خصائص و نتایج این دو، کاملاً بایکدیگر مغایراند. مناطق روستائی و جنگل‌های مغرب زمین در نتیجه یورش‌های پی‌درپی این اقوام، سراسر دچار انحطاط می‌گردد. در حالی که، تمدن‌های کهن و پرت‌تر شرقی بسرعت مهاجمان عرب را، که تعدادی اندک دارند، در میان توده‌های شهرنشینان جذب می‌کنند. پیشوای قوم ژرمنی مهاجم، هیچ وجه شبیهی با پیشوای مسلمانان ندارد، زیرا وی در اغلب اوقات بازرگانی غنی است که برای تسلط یافتن بر راه‌های تجارت شمشیر به دست می‌گیرد. تصویر مرد متعصب و بی‌گذشتی را که افسانه‌ها از مهاجم عرب ساخته‌اند نه در میان مردم متنعم مکه، که تنها به سیاست و بازرگانی ارجح می‌گذارند، می‌توان مشاهده کرد و نه در بین بادیه‌نشینان که بی‌اعتنائی آنان به رسوم و آئین‌های مذهبی زبانزد همگان است. مهاجمان عرب نه در پی قتل‌عام و آزار منظم و پی‌گیر مردم بودند و نه اینکه کسی را بزور و فشار وادار به تغییر مذهب خود و مسلمان شدن می‌کردند. آنان به هر شهری که دست می‌یافتند با پیشوایان دینی معاهده‌ای رسمی می‌بستند و طبق آن آزادی مذهبی و کسب و کار مردم شهر را تضمین می‌کردند، منتها به این شرط که مردم، در برابر آزادی خود، مالیاتی بعنوان جزیه بپردازند. سردمی که به این ترتیب به نیروی مهاجم گردن می‌نهادند به نام «اهل ذمه» خوانده می‌شدند، و حکومت اسلامی بر ذمه خود می‌گرفت که از آنان پشتیبانی کند. از این گذشته، حکومت اسلامی می‌کوشید تا از کاردانی و دانش و تجربه همه غیرمسلمانان، یعنی زرتشتیان و مسیحیان و یهودیان نیز هرچه بیشتر استفاده نماید. همچنین سعی می‌شد تا تازه‌مسلمانان - که «سوالی» خوانده می‌شدند - کار و فعالیت خود را در سازمان‌های حکومتی ادامه دهند و اندیشه‌گران شهرها نیز از کارهای علمی و ذوقی خود دست نکشند. در همین محیط مستغنی و سرشار از تمدن‌های گوناگون بود که سنت قرآنی جلوه‌های نوینی یافت. به گمان من نقش اعراب تنها این بود که حکومت وسیعی را از لحاظ دینی و سیاسی پی‌افکنند و امپراطوری عظیمی از سرزمین‌ها و ملل گوناگون بوجود آورند و سپس خود در میان اقوام کهن و مردم این سرزمین‌ها، در میان ایرانیان، آراسی‌ها و مصریان و بربرها مستحیل گردند. جوامع کهن شرق در زیر لوای اسلام و خلافت، زندگی گذشته خود را ادامه دادند. دیری نپایید که مردم سرزمین‌های متصرفی‌های لشکریان عرب را گرفتند و امپراطوری بزرگی از هند تا اسپانیا، و از آسیای مرکزی تا صحرای افریقا بوجود آوردند. سرزمین خلافت اسلامی، یا «بلاد اسلام» سرزمین وسیعی بود که از لحاظ اقتصادی و دینی و فرهنگی یکپارچگی داشت. اسلام از مجموعه ملل مختلف، که هر یک هوشمندی خاصی داشتند، تمدن واحد و مشترکی را بوجود آورد که در آن عربی بعنوان زبان بازرگانی و اداری، همان نقش زبان لاتین را در دنیای رومی (Orbis Romanus) بازی می‌کرد، تمدن واحدی که پس از تجزیه خلافت در قرن دهم و پیدا شدن سه مرکز خلافت در بغداد و قاهره و قرطبه (Cordoue) بازهم ادامه یافت.

پیروزی اسلام در برابر اروپای غیرمتمدن

دنیای اسلامی با مقامی که در اقتصاد جهانی کسب کرد، بابت پیشرفتی که از لحاظ تفکر اجتماعی و با توسعه و درخششی که از لحاظ فکری داشت، میان قرون هشتم تا یازدهم بعد از میلاد در سرنوشت جهان نقشی اساسی بازی کرد.

قدرت اقتصادی

قلمرو مسلمانی که در نتیجه پیروزی های اسلام بوجود آمد سرزمین هائی را دربرسی گرفت که از لحاظ تولیدات کشاورزی، معدنی و صنعتی، و همچنین از نظر سازمان بازرگانی که داشتند مهمترین مناطق اقتصادی عصر خود شمرده می شدند. این سرزمین ها، که از منابع طبیعی خود در قرن هشتم به بهترین وجه بهره برداری می کردند عبارت بودند از:

۱- ممالکی که زمین های بارآور داشتند، مانند: بین النهرین و ایران که دارای شبکه های آبیاری منظمی بودند، مصر که انبار غله دنیای کهن بشمار می آمد، و دشت های پر وسعت شمال افریقا و آندلس که همه غلات و روغن های نباتی امپراطوری رم را تأمین می کردند.

۲- ممالکی که دارای معادن وسیع بودند، مانند: قفقاز و افریقای شمالی و اسپانیا که در دنیای کهن بعنوان مهمترین مراکز تولید فلزات بودند و در آن عصر غنی ترین معادن طلا در آن ها قرار داشت، و افریقای شرقی و نواحی اورال و آلتائی و هند و بخصوص سودان، در این نقاط نیز طلا فراوان استخراج می شد. طلای سودان حتی تا هنگام اکتشافات بزرگ، همواره به اقتصاد حوزه مدیترانه کمک می کرد.

۳- مراکز مهم تولید صنعتی که در ضمن مهمترین مراکز زندگی شهری نیز بودند، مانند شهرهای ایران و بین النهرین و سوریه و مصر.

۴- بنادر بزرگ و مراکز اصلی کشتیرانی (و سازمان های دریانوردی آن روزگار) مانند: بنادر خلیج فارس و دریای سرخ، سوریه، اسکندریه، سیسیل و جبل الطارق.

گذشته از این، اسلام، بازرگانی پرسود ترانزیتی خاور دور، آسیای میانه و اقیانوس هند و همچنین بازرگانی افریقا را بسوی مدیترانه به خود منحصر می کرد. اسلام همه راه های بازرگانی جهان آن روز یعنی راه های آسیا، راه های دریائی خلیج فارس و دریای سرخ، راه های کاروانی سودان را از طریق صحرا و راه های رودخانه ای روسیه را به سوی بالتیک و دریای خزر به زیر سلطه خود کشید. سرانجام باید بخصوص این نکته را یادآور شد که بازرگان ترین مردم جهان آن روزگار، یعنی اهالی سوریه و لبنان و مصر، در قلمرو اسلام بسر می بردند، مردمی که آداب و فنون و سنن بازرگانی را

خوب می شناختند. بعلاوه، مطلوب ترین شرایط اقتصادی هم با ایجاد این قلمرو وسیع بوجود آمد و در نتیجه، کار بازرگانان مناطق میان دریای مدیترانه و اقیانوس هند بالا گرفت. چنانکه گفتیم در این مناطق، زمینه و روش ها و سنن فعالیت اقتصادی از پیش وجود داشت. ولی، گسترش و وسعت تصرفات مسلمین، قلمرو و دامنه فعالیت های اقتصادی را فراختر کرد. بر اثر ظهور و اشاعه اسلام، در دنیای قدیمی سامی از نوجنب و جوشی افتاد و از امکانات جدید استفاده شد. مردم سوریه و لبنان از دیرباز واسطه بازرگانی بوده اند و بی انصافی است که آنان را مانند مورخ بزرگ بلژیکی هانری پیرن (Henri Pirenne) به بستن دروازه های بازرگانی دریای مدیترانه محکوم کنیم. با بوجود آمدن دنیای اسلامی نه تنها مبادلات بازرگانی کاستی نگرفت بلکه گسترش اسلام باعث شد که فعالیت تجاری بطور شگفت انگیزی افزوده شود، و سرزمین های گسترده تری را دربرگیرد.

اسلام دو حوزه بزرگ اقتصادی اقیانوس هند و دریای مدیترانه را که از هنگام تجزیه امپراطوری یونان از یکدیگر سوا شده و دو منطقه مستقل «مدیترانه رومی» و «شرق پارتی» و سپس «شرق ساسانی» را تشکیل می دادند، دوباره بهم پیوست. به دنبال این پیوند محکم، روابط بازرگانی - که عامل بوجود آورنده قدرت بازرگانان و انگیزه اصلی کشف و شناختن سرزمین های نشناخته بود و بعدها سبب سرفرازی مکتب جغرافیائی اسلامی شد - گسترش فراوان گرفت. و نیز بر اثر ایجاد همین پیوند محکم بود که گنجینه معلومات و دانش جغرافیائی یونانی با سفرنامه هائی که سیاحان اسلامی در باره خاور دور، افریقا و سرزمین های سیاهپوستان نوشتند، غنی تر گردید.

و جوب زیارت خانه خدا و همچنین لزوم دست یافتن به اخبار و احادیث صحیح و آشناسدن به اصول دین و استفاده از تعلیمات فقها و مجتهدان و دانشمندان اسلام، سبب شد که مسلمانان بیشتر سفر کنند. در آن روزگار، بسیاری از طلاب علم، دانش پژوهان، هنرمندان و صنعتکاران، پیوسته از دیاری به دیار دیگر می رفتند. به این ترتیب، در قلمرو اسلامی مردم بسیار به هم آمیختند و این امر آثار و نتایج مهمی ببار آورد. از جمله اینکه، فنون و دانش ها کمال بیشتر یافتند و در سرزمین وسیعی پخش شدند. با آمدن و آمدن، از راه بزرگی که از میان صحراها و واحه ها می گذشت و آسیا و افریقا را به یکدیگر می پیوست، سیستم آبیاری بوسیله قنات و جوی های زیرزمینی، که بخارشدن آب را مانع می شود، در آسیای مرکزی و نواحی جنوبی کشور مغرب اشاعه یافت و وسائل و ابزارهای آبیاری با چرخ های بزرگ کامل تر شدند و در سراسر سرزمین های اسلام: از بین النهرین تا سوریه، از مصر تا مغرب، از والانس و موری در اسپانیا تا پالرم در ایتالیا، مورد استفاده قرار گرفتند. با تکامل آبیاری کشت تولیدات استوائی در کناره های مدیترانه رواج گرفت و تولید برنج در اندلس، کشت پنبه در سوریه و افریقای شمالی، کاشتن مرکبات و سوز در سیسیل و اندلس و زراعت نیشکر در مصر آغاز گردید و در قسمت های وسیعی از سرزمین های پیرامون مدیترانه درختکاری شد. دوران خلافت

عباسی از لحاظ حمل و نقل تولیدات کشاورزی، مرحله مهمی میان دوران یونانی‌گرائی و دوران اکتشافات بزرگ است. کاشت درخت توت و پرورش کرم ابریشم و ساختن پارچه‌های ابریشمی از مناطق شرقی مدیترانه به نواحی غربی آن انتقال یافت. پرورش کرم ابریشم که در قرن ششم بعد از میلاد، در زمان سلطنت ژوستی نی‌ین، در سوریه آغازگشته بود نخست به اندلس و به عبارت دقیق‌تر به آلپوجار (Alpujarrs) و قرطبه و سیسیل راه می‌یابد و سپس در نقاط شمالی ایتالیا و دره آن اشاعه پیدا می‌کند. روش‌های دباغی پوست نیز که در ناحیه طائف در نزدیکی مکه به کمال رسیده بود، ابتدا در منطقه قدامه و سپس در نواحی جنوبی سراسر و در قسمت‌های اسلامی اسپانیا و بخصوص در قرطبه رواج می‌گیرد. چرم قرطبه به بازارهای اروپای مسیحی صادر می‌گردد و از همین رهگذر واژه «Cordonnier» (به معنی کفاش)، که در اصل «Cordouanier» بوده است، ساخته می‌شود. در قرن هشتم مسلمانان کاغذسازی را از چین تقلید می‌کنند، و با آغاز شدن کار کاغذسازی در مصر پایروس از میان می‌رود. در مناطق غربی دنیای اسلامی پس از مصر، خاصه در ژاتیوا (Jativa)، که از لحاظ ساختن کاغذهای ضخیم گلاسه به نام کاغذ «شاطبی»، شهرت می‌یابد، و نیز در جنوب فرانسه به کاغذسازی می‌پردازند. اروپای مسیحی کاغذسازی را از مسلمانان می‌آموزد. همچنین تکنیک‌های (Xylographier) کاری که پیش از اختراع چاپ رواج داشته، و باروت‌سازی و عینک و قطب‌نما و بسیاری از تکنیک‌ها و دانش‌های دیگر از خاور زمین به باختر برده می‌شود. در جوامع بازرگانی شرق اسلام روش‌های تجاری و اسناد و اوراق بهادار از قبیل سفته و برات، بوجود می‌آیند. اروپای قرون وسطی، مدت‌ها بعد، از راه بازرگانی باسوریه و لبنان به فایده اسناد و اوراق تجاری بی‌می‌برد و به تقلید از مسلمانان آن‌ها را در بازارهای خود رواج می‌دهد. چنانکه پیش از این گفتیم سمالک مشرق زمین، حتی پیش از آنکه در زیر لوای اسلام درآیند، دارای شهرهای بزرگ بودند. رونق بازرگانی و توسعه و تکامل شیوه‌های کشاورزی سبب شد که تمدن شهری شکوفائی درخشان پیدا کند، شهرهای کهن مانند دمشق، حلب و سمرقند اهمیت بی‌سابقه‌ای بیابند، و شهرهای جدیدی مانند بصره و فسطاط و بغداد بوجود آیند. بغداد در قرن هشتم بنا می‌شود و در پایان قرن نهم چنان وسعت می‌گیرد که جمعیت آن، در مساحتی برابر با مساحت شهر پاریس در قرن نوزدهم، به بیشتر از یک میلیون نفر می‌رسد. همین جنبش در مناطق غربی دنیای اسلام نیز پدید می‌آید و زندگی و تمدن شهری. پس از دوران فترت و انحطاطی که در نتیجه حملات و یورش‌های اقوام نیمه وحشی پیدا شده است. دوباره جوانه می‌زند و شهرهائی مانند قیروان، فاص، قرطبه و پالرم بنا نهاده می‌شوند. بین دو دوران شکوفائی جنبش شهرنشینی و شهرسازی، یعنی بین دوران اعتلای تمدن یونانی و رم، و دورانی که در کشورهای غربی از قرن دوازدهم بعد از میلاد آغاز می‌گردد و تا قرن نوزدهم ادامه می‌یابد، رونق درخشان شهرهای دنیای اسلام از قرن هشتم تا پایان قرن دهم بعد از میلاد، بعنوان یکی از لحظات اساسی تاریخ شهرنشینی در جهان بشمار می‌رود. در این مساحت گسترده

اقتصادی، در بازار شهرها، دینار طلا بعنوان وسیله مبادله جهانی، جریان داشت. سکه طلا از برکت خزائن و گنجینه های سرشاری که در سرزمین های تصرف شده طی سالها گردآمده بود، و بخصوص پس از به چنگ آوردن معادن پربار طلای سوزان، به مقادیر فراوان ضرب می شد. و دینار طلا، بعنوان ارز قوی و مسلط، همانند دلار در دوران اخیر، بشمار می آمد.

جوشش اجتماعی

فزونی بی مانند پول طلای در گردش و توسعه و تکامل فنون بانکداری و اعتبار که خود باعث افزونتر شدن سرعت گردش پول بود، سبب گردید که همه فعالیت های اقتصادی رونق بسزا یابند و ارزش فلزات قیمتی در بازار کاستی گیرد و قیمت ها در دورانی دراز بالا رود. فزونی گرفتن قیمت ها موجب شد که از طرفی طبقه بازرگان سود بسیار جمع آورد و از طرف دیگر خزائن قدرت حاکمه اسلامی از راه گرفتن مالیات و وام از بازرگانان و بانکداران و صرافان به موجودی های خود فراوان بیفزاید.

بازرگانان و خاصه کسانی که به بازرگانی پرماجر و دور دست می پرداختند و خطر می کردند، بسرعت ثروتمند شدند. آن زمان، روزگار جویندگان طلا و ماجراجویانی همانند سندباد بحری است که از دریانوردی در دریای هندی می برخوردار نمی دهند، روزگاری است که تجارتخانه های بزرگ پدید می آیند و در سراسر راه های بزرگ دنیای شناخته شده آن هنگام، شعباتی تأسیس می کنند. طبقه بازرگان از نعمت و رونق برخوردار است و بنابراین، وسعت می یابد و در تردبان اجتماعی به پایه بلندتری می رسد. در همان هنگام است که در دنیای اسلام، بازرگانانی (اعم از مسلمان و مسیحی و یهود) با ثروت های کلان بوجود می آیند، و سرمایه های خود را پیوسته در رشته های گوناگون بکار می اندازند. دانش و تجربه آنان به اندازه ای است که می توانند بانمایندگان خودشان در اطراف و اکناف جهان رابطه مداوم برقرار کنند و فعالیت ها و درآمدها و هزینه ها را در دفاتر تجاری به کمک علم حساب که ساخته و پرداخته هندیان است و اعداد به اصطلاح «عربی» ثبت نمایند، و فن حسابداری را پایه ریزند. آنان نه تنها در کار بازرگانی دست دارند، بلکه به شعر و شاعری نیز عشق می ورزند، و از دادن صله های بزرگ برخوردار می باشند. در زندگی پرتجمل خود گشاده دست اند و با اهمیت روزافزونی که در جامعه می یابند گاه در شورا های دولتی نیز شرکت می جویند. روحیه این افراد شبیه روحیه سرمایه داران کنونی است، و بازرگانان ایتالیائی و فلمانندی اواخر قرون وسطی نیز تاحدی همانند آنان هستند.

اما از جانب دیگر، تنگدستی طبقات کم درآمد شهرها و روستاها تشدید می شود و شکاف میان ثروتمندان و تنگدستان هر روز وسیع تر و عمیق تر می گردد. به همین سبب، جنبش ها و شورش های بی دریغی پدید می آیند: در ایران روستائیان می شورند. در قرن نهم، در دوران خلافت عباسی،

بابک خرم‌دین مردم را به تقسیم زمین‌ها و اسوا و زنانشان دعوت می‌کند. در قرن نهم، در خراسان، فرقه «پرچم‌های سرخ» پدید می‌آید. در قرن نهم، بردگان در بین‌النهرین، در مزارع وسیع نیشکر دست به شورش می‌زنند. در آغاز همین قرن مردم تنگدست بغداد که برهنگان خوانده می‌شوند شهرها را تاراج می‌کنند.

در قرن دهم نهضت قرمطیان همه شورشیان را گرد هم می‌آورد و برپیکر دنیای اسلام آن زمان - از ایران و خلیج فارس گرفته تا افریقای شمالی و مصر و حتی اسپانیا - لرزه می‌افکند. اهمیت این جنبش به آن اندازه است که لوئی ماسینون (Louis Massignon) قرن دهم را به نام «قرن قرمطی» می‌خواند. در همان هنگام می‌بینیم که کارگران نیز برای خود سازمان‌هایی بوجود می‌آورند. اجتماعات سری و پنهانی بسیاری جوانه می‌زنند سازمان‌های صنفی غیر دولتی - متفاوت با سازمان‌های صنفی دولتی امپراطوری رم و بیزانس - پدید می‌آیند و افراد هر صنف رئیس خود را برمی‌گزینند. نویسندگان قرمطی به پیشه‌وران توجه خاص می‌کنند، درباره هر صنف رسالات فراوان می‌نویسند و شرف صنفی را مدح می‌گویند. جوش اجتماعی با رواج وسیع آراء و عقاید همراه است. همان زمان که قرمطیان مردم را به پذیرفتن عقاید خود می‌خوانند، نهضت خردگرائی (معتزله) نیز پدید می‌آید و پس از اندک مدتی جنبش تصوف در برابر معتزله قد برمی‌افرازد.

رساناس اسلام

اقتصاد فزاینده دنیای اسلام و تحرك جامعه‌ای که هر روز جریان فکری جدیدی در آن پدید می‌آید، باعث شد که تمدن در آن رشد کند و بسط فراوان گیرد. شهرهای بزرگ و دربارهای سلاطین، مراکز فعالیت‌های علمی، فلسفی، دینی، ادبی و هنری درخشانی بودند. این دوران یکی از ممتازترین دوره‌های تاریخ فکر بشر است که از طرف اسلام‌شناس معروف سوییسی، متس (Metz) «دوران رساناس اسلامی» نام‌گذاری شده و با عصر رساناس که در دو قرن چهارده و پانزده در ایتالیا پدید آمده، مقایسه گردیده است. «رساناس» ایتالیائی نیز مانند رساناس اسلامی - که در قرن نهم و دهم

۱. این رسالات در اشاعه و تحکیم مبانی فرهنگ کهن ایران و نگهداری سنن و میراث پرارزش گذشته و سازمان‌دادن به جامعه ایرانی بر اساس جوانمردی و آزادگی و دانش‌طلبی، نقش بسیار مهمی دارند. برای یافتن اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب «رساله چیت‌سازان» و «رساله جوانمردان» که به اهتمام پرفسور هانری کربن چاپ و انتشار یافته است، و همچنین به فتوت نامه سلطانی که بوسیله دکتر محمد جعفر محبوب تصحیح و از طرف بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافته است. (مترجم)

سیحی بوجود می‌آید. نهضتی است که از طرف همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهنه‌ای که در محدوده اسلامی قرار داشتند، و یا اسلام با آنها رابطه بازرگانی داشت، قوت و مایه می‌گیرد. فرهنگ اسلامی مجموعه و ترکیبی است از فکریونانی و ساسی، آراسی و عبری، و ایرانی و هندی که بوسیله مترجمان و مفسران در دسترس مسلمانان قرار گرفته بود. فرهنگ اسلامی مجموعه و ترکیبی است از شکل‌های معماری و شیوه‌های تزئینی بین‌النهرین و ایران در زمان ساسانیان، و سوریه و مصر در دوران امپراطوری بیزانس، اما فرهنگ اسلامی تنها مجموعه و ترکیبی از فرهنگ‌های گوناگون نیست بلکه چیزی هم افزونتر از آن است. فرهنگ اسلامی شیوه‌ای است اصیل، شیوه‌ای خاص برای بیان و متجلی کردن اندیشه‌ها و ذوق‌های نو، تکنیک‌های برتر، فرمول‌ها و ضوابط فکری و هنری، مانند تکنیک‌های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی، که از شرق به سوی غرب برده می‌شوند. کسانیکه بعدها بعنوان پیش‌آهنگان تمدن شرق خوانده می‌شوند، علوم ادبیات و هنرهای مهم‌ترین مراکز نورافشان شرق را به شمال آفریقا، و به سیسیل و اسپانیای مسلمان می‌برند. ابن‌رشداهل اندلس است و مسجد بزرگ قرطبه یکی از شگفت‌انگیزترین معماری‌های جهان بشمار می‌رود. شهرهای بزرگ و ثروتمند و پرجلال و شکوه غرب مسلمان شده، درست در برابر دروازه‌های غرب سیحی که هنوز نیمه وحشی و کاملاً کشاورزی مانده بود، نیروهای خیال و تصور را برمی‌انگیخت. در قرن دهم میلادی راهبه‌ای از فرقه «بندیکتن» (Bénédictain) به نام «هروس وی‌تا» «Hroswita» در دیر خویش در «گاندارشیم» (Gandarsheim) نعم و لذایذ و پیروزی‌های شهر قرطبه را مدح می‌گوید و آن را «زینت جهان» می‌خواند. جهان در آن هنگام به آستان مکتب اسلام سر می‌ساید تا تجلیات فرهنگی آن را بیاموزد.

رونق اروپا و انحطاط دنیای اسلامی

فعالیت شدید اقتصادی و اجتماعی و رونق درخشان تمدن اسلامی - که خصیصه دنیای اسلام در دوران میان قرن هشتم و قرن یازدهم است - تنها محدود به سرزهای مسلمانی نمی‌شد. شهرهای بزرگ و وسیع جهان اسلامی برای تأمین مصارف و کالاهای لوکس حتی به سرزمین‌های همسایه نیز روی می‌آوردند. طلاهایی که از راه‌های گوناگون در دست مسلمانان تراکم یافته بود، چون خونی تازه در رگ‌های کالبد نیمه‌جان همسایگان به جریان افتاد. شبکه روابط بازرگانی از نو پدید آمد و فنون و صنایع و کتب و عقاید گوناگون اشاعه یافت و راه‌ها، نه تنها برای بازرگانی بلکه برای اشاعه علم و معرفت و فرهنگ و ادبیات و تبلیغ دین اسلام سورد استفاده قرار گرفت. اسلام از راه‌های کاروانی آسیای مرکزی تا قلب قبایل ترک و تا دل چین پیش رفت. تجارتخانه‌هایی که مسلمانان در کرانه‌های اقیانوس، در جزایر سوند (Sonde) و در کرانه‌های آفریقای شرقی بوجود آورده بودند، سرازیر اشاعه دین اسلام شدند. عوامل این تمدن برتر، از کوره‌راه‌های صحرا به سودان

و افریقای غربی، از راه دریای خزر به مناطق سفلی و وسطای ولگا، و از راه ایتالیا به اروپای نیمه وحشی رسیده عوامی را که دنیای اسلامی از تمدن‌های پیشین و کهن به عاریت گرفته و با شرایط و نیازمندی‌های نو همساز کرده بود در سراسر دنیای آن روز اشاعه یافت. با پیدا آمدن این شرائط و امکانات، افکار و دانش‌های یونانی، در سرزمین‌های اسلامی نشر یافتند. نوشته‌های ارسطو که در آغاز قرون وسطی در اروپا نشناخته بود - نخست در عصر ژوستی نی (قرن ششم میلادی) در دیرهای سوریه و بین‌النهرین به زبان سریانی و سپس در زمان عباسیان (قرن نهم و دهم میلادی) به عربی ترجمه شد. پس از مدتی این ترجمه‌ها به دست مسلمانان اندلس افتاد و این رشد (در قرن دوازدهم میلادی) آن‌ها را شرح کرد. و هم در آنجا بود که کتب یونانی به دست دانشمندان یهودی مکتب قرطبه از عربی به عبری ترجمه شد، و سرانجام یهودیان مکتب طلیطله (Tolède) که به پیروی از مذهب مسیح درآمده بودند آن‌ها را به لاتینی برگرداندند. به این ترتیب «ارسطوی جدیدی در دنیای مسیحی پدید می‌آید»، افکار ارسطو در قرن سیزدهم میلادی به دانشگاه پاریس راه می‌یابد و همه مکتب‌های قرون وسطایی اروپا را زیر و رو می‌کند.

اما همراه با کتب فلسفی، آثار مربوط به علوم دیگر (مانند ریاضیات، جبر، ستاره‌شناسی...) و کتب و رسالات مهم پزشکی نیز به اروپا راه یافت و همین کتب و تألیفات پزشکی بود که باعث پی‌افکندن دو مکتب پزشکی سالرن (Salerne) و ونپلیه شد.

کتاب پراج و سهم بوعلی سینا به نام «قانون» در قرن دوازدهم میلادی در اسپانیا ترجمه و در قرن پانزدهم چاپ شد، و از قرن شانزدهم تا هیجدهم نیز بارها چاپ آن تجدید گردید. داروشناسی مسلمانان در سراسر اروپا رواج گرفت و تا سال ۱۸۳۰ خلاصه‌هایی از کتب مختلف این رشته به چاپ می‌رسد و در دسترس داروسازان گذارده می‌شود. عمل جراحی (Cata-Racte) درست به همان گونه که محمد زکریای رازی در کتب خود شرح می‌دهد، تا آغاز قرن نوزدهم بوسیله جراحان انگلیسی و آلمانی انجام می‌گرفت. اروپا در قرن هیجدهم از بیمارستان‌هایی که در دنیای اسلام بوجود آمده بود، تقلید کرد. پاپ اینوسان سوم (Innocent) بیمارستان «سان اسپیریتو» (Sanspirito) را در رم ساخت و پس از برگشتن از جنگ‌های صلیبی، بیمارستان «سن لوتی» را در پاریس بوجود آورد.

موسیقی غربی نیز با بکار بستن سازهای زهی شرقی (چه آن‌ها که با آرشه و چه آنها که با مضراب نواخته می‌شوند) و ترجمه کتب مربوط به موسیقی نظری از عربی به لاتینی و یونانی، غنای بسیار یافت. سخن‌سرایان، داستان‌پردازان و «عاشقان» از شکل و محتوای اشعار دربار اندلس در قرن یازدهم، فراوان تقلید کردند.

۱. منظور کسانی هستند که اینک نیز در ایران به نام «عاشق» در قهوه‌خانه‌ها برای مردم سازی می‌زنند و اشعار عاشقانه می‌خوانند. همانند این نوازندگان و سخن‌سرایان در اروپای قرون وسطی نیز بودند که به فرانسه «Troubadours» خوانده می‌شوند.

از تأثیرهای فرهنگ شرق بر فرهنگ رومیان همه آگاهند و در این باره نیازی به بیشتر سخن گفتن نیست.

از همه اینها گذشته، بسیاری از تکنیک‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، علمی و ادبی و هنری نیز از جهان اسلام به دنیای غرب راه می‌یابد و بهترین شاهد این مدعا، لغات عربی فراوانی است که در زبان‌های ایتالیائی، اسپانیائی، پرتغالی و فرانسوی می‌توانیم یافت. این واقعیت را هیچگاه، بخصوص هنگامی که کسانی از اروپائیان بانیافتن لغات مربوط به فنون امروز در زبان‌های شرقی خنده تمسخر بر لب می‌آورند، نباید از یاد برد.

اروپا به دنبال تأثیر هزاران عامل و انگیزه‌ای که از دنیای اسلام سرچشمه می‌گرفتند پیشرفت سریعی را آغاز کرد و در اندک مدتی نه تنها خود را همپایه شرق ساخت بلکه از آن هم پیشی گرفت. در واقع دنیای اسلام، رقیب و فاتح آینده خویش را در دامن خود بپرورد. در دوران جنگهای صلیبی (قرن دوازدهم تا سیزدهم) نیروهای دوطرف باهم برابرند. ولی از قرن چهاردهم به بعد برابری و توازن نیروها از میان می‌رود و کفه ترازو به سوی غرب می‌چرخد. با آنکه امپراطوری عثمانی می‌کوشد تا نیروهای مسلمانان را بار دیگر جمع آورد و با آنکه ترکان عثمانی تا قلب اروپا نیز پیش می‌روند (فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ و محاصره وین در سال ۱۶۸۳)، و با وجود ارجی که غرب به علوم پزشکی مسلمانان می‌گذارد، با اینهمه دنیای اسلام شکست خورده و ضعیف جلوه می‌کند. درست است که سپاهیان ترک در سال ۱۴۵۳، به قوت توپخانه خود، قسطنطنیه را تصرف می‌کنند، اما همه می‌دانند که توپها در کارخانه‌های ریخته‌گری مجارستان ساخته شده‌اند. اروپا رشد می‌یابد و هشت پاوار دست و پای خود را به سراسر جهان دراز می‌کند. دوران اختراعات و اکتشافات بزرگ، دوران رنسانس، فرا می‌رسد. با این همه در این جلوه‌گری نبوغ غرب در قرن پانزدهم و شانزدهم اثر خمیرمایه شرق را نیز نباید فراموش کرد.

اختراعات بزرگ در نتیجه انتقال فنونی که در دنیای مسلمانان بکار می‌رفتند - مانند کاغذسازی «XylograPhic» و باروت‌سازی - امکان پذیری گردند. اگر پیشرفت‌های مسلمانان در علم جغرافیا و نجوم نبود، اکتشافات بزرگ صورت نمی‌گرفتند. انتقال دانش‌های مسلمانان به سکتب نقشه‌کشان یهودی ناحیه «مایورکا»، پایه و اساس کارهایی است که آلمان‌ها و ایتالیائی‌ها در زمینه جغرافیا و نجوم انجام می‌دهند و کریستوف کولومب نیز از همانجا مایه می‌گیرد. همین دانش‌ها باعث می‌شوند که در دوران خلفای عباسی در شیوه‌های کشتی‌رانی پیشرفت‌های بسیار پدید آید. بادبانی که به «بادبان لاتینی» معروف است از همان هنگام به مدیترانه راه می‌یابد. این همان بادبان سه گوشه‌ای است که از دیر باز در کشتی‌رانی در خلیج فارس و دریای سرخ بکار می‌رفت و در دوران اسلامی دریانوردان کناره جنوب غربی شبه جزیره اسپانیا، مردم ناحیه الگارو «Algarve»، ناحیه‌ای که جغرافی دانان به نام «الغرب» می‌خوانند نیز آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. این همان

بادبانی است که کشتی رانان و دریانوردان پرتغالی نیز آن را در سفر خود به دور آفریقا بکار می برند. و هنگامی که آن را بر فراز کشتی های عرب در اقیانوس هند می بینند شگفت زده می شوند. جنبش رنسانس نیز از کتب و آثار اسلامی بهره می گیرد. برهیچ کس پوشیده نیست که عرفای اندلس (ویخصوص ابن حزم) در سعاد شناسی که دانته در کمدی الهی می آورد اثر بسیار گذارده اند.

اما، ما در این جا به نفوذ مستقیم، به نفوذ کنونی دنیای غرب بر روی دنیای شرق توجهی نداریم بلکه در باره میراث گذشته دور سخن می گوئیم و معتقدیم که پس از جنگ های صلیبی تسلط مادی، نیروی فکری و اخگر آفرینندگی و نوآوری، از شرق به اروپای غربی انتقال یافت و تا کنون نیز در همین سرزمین باقیمانده است. اما این وضع در آینده نیز ادامه پیدا خواهد کرد؟ و اگر ادامه نیابد، آنگاه باید دید که کدام قسمت از جهان جای غرب را خواهد گرفت. باید قبول کرد که مشاهده لحظه ای که قدرت و شوکت اقتصادی و آتش اصلی تمدن از جایی به جای دیگر منتقل می گردد، بسیار سهم و هیجان آور است.

اما چرا مشعل فکر و قدرت از شرق به غرب منتقل شد؟ برای پاسخ گفتن به این پرسش باید نخست نیروهای واقعی شرق و غرب را در آن هنگام با هم بسنجیم. از یاد نبریم که مشرق زمین در آغاز قرون وسطی، از لحاظ قدرت تولید بر غرب پیشی و برتری داشت. مردم مغرب زمین در آن هنگام هنوز در جنگل ها و در تاریکی توحش بسر می بردند. با این همه، بهره برداری نامنظم و بیرانگ از منابع ثروت روی و زیرزمین، در طی هزاران سال مداوم، باعث شده بود که توان کشورهای شرقی با وجود تمدن کهن شان، فرسوده گردد. مثلاً، در قرن دوازدهم میلادی از جنگل های غنی لبنان که هزاران سال چوب کشتی های فرعون ها و فنیقی ها و یونانیان و رومیان و مردم بیزانس و مسلمانان را تأمین کرده بود، دیگر چیزی برجای نمانده بود. سرزمین اسلام سرزمینی پوشیده از بیابانها و واحه هاست، و آب و جنگل در آن کمیاب است و شاید معادن آهن نیز کم داشته باشد. در برابر کشورهای غربی، سراسر پوشیده از جنگل ها و مراتع اند، آب فراوان دارند و از نیروی آن برای انجام کارهای گوناگون استفاده می کنند. بنابراین، باید نخستین سبب انتقال مراکز قدرت و برتری را از شرق به غرب عامل جغرافیائی، یعنی وجود جنگل ها و مراتع در غرب، و وجود بیابان های بی آب و علف در شرق شمرد.

علت تاریخی دیگری نیز از میانه سده یازدهم میلادی در برتری یافتن غرب به شرق مؤثر بوده است. در این دوران یورش خانمان برانداز اقوام وحشی بر دنیای اسلام نیز آغاز گشت. چادر نشینان توران به حرکت درآمدند و ترکان سلجوقی همه راه های بازرگانی مسلمانان را، از آسیای مرکزی تا بین النهرین، به تصرف خویش گرفتند. آنان در سده دوازدهم میلادی فلات آناتولی را از چنگ حکومت بیزانس درآوردند و مصر را از دست فاطمیان بیرون کشیدند. سلطان ترك نژاد یوغ سلطه خود را برگردن خلیفه عباسی نهاد و او را در کاخ خویش در بغداد زندانی کرد. اما پیش از

آن، در سده یازدهم، خلیفه فاطمی قبایل تاراگر هلالی را به یورش به سرزمین های شمال آفریقا برانگیخت. این قبایل، چون تیربلا بر سر کشوری می ریختند، شهرها را می سوزاندند و آثار فرهنگی را ویران می کردند.

در همان هنگام نیز شترداران کناره های سنگال از همان راه بازرگانی میان سودان و آفریقای شمالی، به تصرف بلاد مغرب و اسپانیا تاختند و چراغ تمدن درخشان اندلس را کشتند. همچنین در همین دوران، در حدود سال ۷۰۰ میلادی نورمان ها سیسیل و سیسیل شده (اشیلیه) را به تصرف درآوردند. اسلام این جزیره را از دست داد، اما تمدن اسلامی، با وجود فرمانروایان نورمان و حتی در دوران حکومت فردریک دوم، به شکوفائی خود ادامه داد. سیسیل یکی از دو گذرگاه نفوذ فرهنگی شرق به غرب است. گذرگاه دیگر، مناطق مسلمان شده اسپانیا است که از اواخر قرن یازدهم، سیحیت بسرعت نفوذ خود را در آن ها بسط می دهد. در اواسط سده سیزدهم، سرزمین های اسلامی میدان تاخت و تاز مغولان می شود. آنان بغداد را غارت می کنند و کتابخانه ها و گنجینه های فرهنگی را به آتش می سوزانند، توگوئی که قیامت و پایان جهان فرا می رسد.

سویین علت انتقال قدرت فرهنگی و اقتصادی از شرق به غرب، علتی که شاید بر دو سبب دیگر می چربد، جنبه اقتصادی دارد. بازرگانی مسلمانان، و به تبع آن، فعالیت های اقتصادی جهان اسلام، کم کم در برابر بازرگانی اروپا کاستی می گیرد و مواضع مهم و برارزش خود را از دست می دهد. بازرگانان ایتالیائی از لحاظ کشتیرانی و پولی برتری می یابند و از سده دوازدهم میلادی همه کناره های مدیترانه را به زیر سلطه خود در می آورند. در سده سیزدهم و چهاردهم راه های آسیا را در پیش می گیرند و با استفاده از قدرت امپراطوری ای که به دست چنگیز بنا گرفته بود می کوشند تا از جانب شمال بر قلمرو مسلمانان دست اندازند. راه را مغولان گشودند و به دنبال آنان مارکوپولو و سپس بازرگانان و سرسلین عیسوی نیز، با گذشتن از متصرفات حکومت ژن در دریای سیاه، به سوی خانبالغ (پکن) می روند. ولی امپراطوری چنگیز سخت بنیاد و بادوام نبود و در نیمه دوم قرن چهاردهم در برابر یورش گروه دیگری از مغولان که به دین اسلام گرویده بودند و فرمانروائی چون تیمور داشتند، تاب نیاورد و سرنگون شد. نکته نگذاریم که دین اسلام همواره - حتی در دوران فتورضع سیاسی و نظامی و اقتصادی خود - قابلیت گسترش پذیری فراوانی داشته است.

هنگامی که راه شمال بسته شد، بازرگانان اروپائی کوشیدند که از راه جنوب، دنیای اسلام را دور بزنند و به شرق دست یابند، و در این کار توفیق یافتند. نخست پرتغالی ها راه دریائی دماغه آسید نیک را گشودند و به اقیانوس هند، یعنی به انتها الیه قلمرو بازرگانی قدرت اسلامی راه پیدا کردند. سپس رهگذرهای دریای سرخ و خلیج فارس، یعنی عدن و هرمز را گرفتند و با وحشیگری شگفت انگیزی همه نقاطی را که در این منطقه بعنوان پایگاه لازم داشتند به زیر سلطه خود درآوردند. چیزی نگذشت که هلندی ها و فرانسویان و انگلیسی ها نیز به آنان پیوستند و

کوتاه سخن آنکه اروپائیان فرمانروای مطلق اقیانوس هند شدند و بازرگانی ایرانیان و اعراب را، که از روزگاری بس دور در این منطقه وجود داشت، یکسره از میان بردند.

آنگاه در سواحل شرق افریقا، در هند و سیلان و جزایر سوند «Sonde» مراکز بازرگانی «Comptoirs» برپا کردند و همه انواع کارهای بازرگانی را که تا آن روزگار سبب ثروتمند شدن بازرگانان مسلمان و قدرتمند شدن بنادر خلیج فارس بود در دست گرفتند. راه نجات طلا و بردگان سیاه پوست، به سوی «دنیای جدید» یعنی قاره تازه کشف شده آمریکا تغییر یافت و کالاهائی مانند ادویه و ابریشم - که در گذشته از راه سرزمین های اسلامی به اروپای غربی می رسید - بی واسطه و مستقیم به این بازارها گسیل گشت، بازرگانی پر درآمد میان مناطق مختلف هندوستان که تا آن زمان در دست کشتیرانان مسلمان بود، به دست کمپانی های غربی افتاد و حرص و آز پایان نایافتنی اینان برای انحصار کردن این بازرگانی و تصاحب همه این درآمدها باعث شد که جنگ های خونینی میان این کمپانی ها درگیرد. بنابراین مردم سرزمین هائی که بر سر راه بازرگانی شرق و غرب می زیستند و این بازرگانی را از دیرباز بعهده داشتند روز بروز فقیرتر شدند. قلمرو اقتصادی دنیای مسلمان در محاصره افتاد و این حلقه روز بروز تنگتر و محدودتر شد، در عوض قلمرو اقتصادی اروپای غربی مدام گسترش بیشتری یافت و قدرتش با کشف آمریکا و استرالیا و اقیانوس آرام و قاره افریقا افزونتر گشت. از آن هنگام به بعد تاریخ دنیای اسلام چیزی جز عقب نشینی مداوم، از دست دادن سرزمین ها و از دست دادن قدرت معنوی و فکری، نیست.

در جبهه غرب: در سال ۱۴۹۱ میلادی غرناطه از دست می رود. در سال ۱۵۷۱ میلادی جنگ «له پانت» (Lépante) درمی گیرد. در سال ۱۸۳۰ میلادی الجزایر به تصرف فرانسویان می افتد، و سرانجام در آغاز قرن بیستم امپراطوری عثمانی از هم می پاشد.

اما در جبهه شرقی، اسلام سال های دراز مواضع خود را نگه می دارد: شاهزادگان مسلمان دهلی، یعنی اکبر شاه (از ۱۵۵۶ تا ۱۶۰۵ میلادی) و اورنگ زیب (از ۱۶۵۹ تا ۱۷۰۷ میلادی) سلطه خود را به سراسر هند می گسترند. دربار آنان مرکز تمدن درخشان است و در این عصر، هنر و آوج و تعالی می یابد، ولی این امپراطوری در قرن هجدهم سرنگون می شود و تاراج دهلی در سال ۱۷۵۴ میلادی آغاز دوران واکنش هندیان می گردد. از این سوی نیز اسلام دامن فرامی کشد.

در همین هنگام، قدرت مادی غرب روز بروز فزونی می گیرد و تعداد کشفیات علمی و پیشرفت های فنی، بخصوص از قرن نوزدهم بر اثر انقلاب صنعتی افزونتر می گردد. غرب از لحاظ سیاسی و اقتصادی نه تنها بر کشورهای مسلمان، بلکه بر سراسر دنیا سلطه می یابد.

بنابراین، باید نتیجه گرفت که از هنگامی که شهرهای بزرگ اسلام، نقش خود را بعنوان مراکز اقتصاد جهان از دست می دهند و حرکت و حیات فکری مسلمانان سستی و کاستی می گیرد، روابط شرق و غرب نیز تغییر می کند.